ail [eɪl] v

ابتلا به یک فرد یا گروه به معنای ایجاد مشکل یا درد است.

brother برادرم به دکتر مراجعه کرد تا ببیند چه چیزی او را رنج می دهد.

متحد

ally [ˈælaɪ] n. متحد

متحد شخصی است که موافقت می کند به شما کمک کند یا از شما حمایت کند.

→ خوشحال شدم که متحدان زیادی را پیدا کردم که عقیده مشابه من را داشتند.

به رخ کشیدن

boast [boust] v. مباهات کردن

لاف زدن این است که در مورد چگونگی خوب بودن صحبت کنید.

f همه ما از شنیدن حرفهای او که تمام روز به خودش می بالد خسته شدیم.

گزاف گویی

گزاف گویی [bauns] v. گزاف گویی

گزاف گویی یعنی حرکت دادن چیزی به بالا و دور از سطح پس از برخورد به آن.

→ اوون توپ را روی زمین برگشت.

گردن کلفت

bully [ˈbulɪ] n. گردن کلفت

قلدر فردی است که نسبت به دیگران بدجنس است.

→ دو قلدر همیشه بچه های کوچکتر و ضعیف تر را انتخاب می کردند.

کربوهیدرات

کربوهیدرات [ˈkɑːrbouˈhaɪdreɪt] n کربوهیدرات

کربوهیدرات ها موادی در غذاهایی مانند نان هستند که به شما انرژی می دهند.

→ کربوهیدراتها مانند برنج منبع خوبی از انرژی برای افراد فعال هستند.

خزیدن

خزیدن [krɔːl] v

خزیدن یعنی حرکت آرام روی دستها و زانوها.

→ کودک از روی زمین خزید.

شکست دادن

شکست [dɪˈfiːt] v شکست

شکست دادن کسی یعنی شکست دادن او در یک بازی یا نبرد.

→ قهرمان در مسابقه بوکس رقیب را شکست داد.

شماره گیری

شماره گیری [ˈdaɪəl] n شماره گیری

شماره گیری جلو ساعت است.

→ به شماره گیری نگاه کردم تا ببینم ساعت چند است.

غالب

غالب [ˈdɒmənənt] adj. غالب

وقتی کسی یا چیزی مسلط باشد ، از دیگران قوی تر است.

gor گوریل یکی از حیوانات غالب جنگل است.

رحمت

رحمت [əːməːrsi] n. رحمت

اگر رحمت کنید ، ترجیح می دهید کسی را مجازات نکنید و به او آسیب نرسانید.

→ او از رئیس خود درخواست رحمت كرد و او را اخراج نكرد.

سر تکان دادن

nod [nɒd] v. نق زدن

سر تکان دادن این است که سر خود را بالا و پایین ببرید.

as با گوش دادن به آهنگ سرم را تکون دادم.

حریف

rival [pounənt] n. حریف

حریف کسی است که علیه شما می جنگد.

→ در زمین ، حریفان ما خیلی خوب بودند.

نزاع

مشاجره [ˈkwɔ: rəl] v دعوا

مشاجره بحث و جدال است.

بیلی در مورد خرید خانه ای جدید با همسرش اختلاف داشت.

رقیب

rival [ˈraɪvəl] n. رقیب

رقیب کسی است که سعی دارد شما را از رسیدن به خواسته خود باز دارد.

→ سه رقیب همه برای یک شغل با هم رقابت می کردند.

زخم

sore [sɔːr] adj. زخم

وقتی قسمتی از بدن شما دردناک است ، درد می کند.

→ پس از بلند کردن جعبه سنگین ، پشت مونا دردناک بود.

نیش

sting [stɪŋ] v نیش زدن

نیش زدن به معنای ایجاد درد با فشار دادن قسمت تیز به داخل پوست است.

→ سوزن بازوی من را زد و من را وادار کرد که بگویم ، "اوه!"

نژاد

کرنش [streɪn] v. کرنش

فشار آوردن یعنی خیلی سخت تلاش کردن.

→ کیسی برای بلند کردن جعبه سنگین فشار آورد.

شکنجه

شکنجه [ɔːtɔːrtʃə: r] n شکنجه

شکنجه چیزی است که باعث درد جسمی یا روحی شما می شود.

→ گرگ فکر کرد که نوشتن مقاله شکنجه است.

کشتی گرفتن

wrestle [ˈresəl] v کشتی گرفتن

کشتی یعنی بازی کردن در جایی که بخواهید شخصی را به زمین فشار دهید.

dad پدرم وقتی دبیرستان بود عاشق کشتی بود.

دالتون در مقابل قلدر

دالتون پسر خوبی بود ، اما گاهی اوقات پسران دیگر او را به دلیل قد بلند و لاغر مسخره می کردند. بزرگترین مشکل دالتون میچ بود. او یک قلدر بود که به قدرت خود می بالید. با پسران دیگر نزاع کرد. گاهی اوقات ، اگر پسران پول ناهار خود را به میچ می دادند ، او رحمت می کرد و آنها را تنها می گذاشت.

یک روز ، پسران در مورد یک بازی ویژه المپیک دوره راهنمایی مطلع شدند. کلاس بدنسازی آنها قرار بود در آن کلاس باشد. بسیاری از بچه ها هیجان زده بودند. اما دالتون فکر می کرد این صدا مانند شکنجه است.

آن روز صبح ، دالتون مقدار زیادی کربوهیدرات برای صبحانه خورد. وارد سالن ورزشی شد و به صفحه ساعت نگاه کرد. وقت شروع بود. استاد پرسید که آیا آنها آماده هستند؟ همه تکان دادند ، به جز دالتون.

"من توسط یک زنبور عادت کردم. من باید پرستار را ببینم. " گفت دالتون. او جبران کرد تا مجبور نباشد بازی کند.

"من شما را باور نمی کنم. آماده بازی شوید. "

ابتدا کشتی گرفتند. سپس آنها پریدند ، خزیدند و بازی های دیگری انجام دادند. اما میچ در هر رویدادی مسلط بود.

آنها تمام صبح فشار آوردند تا او را شکست دهند. تا ناهار ، آنها دردناک بودند. تمام بدن آنها آنها را رنج می داد. آنها در مورد چگونگی پیروزی فکر کردند. آنها می دانستند آخرین بازی روز والیبال است. بچه هایی که قبلاً رقبای دالتون بودند ، متحدان او شدند. آنها می خواستند که او به آنها کمک کند تا میچ را بزنند. دالتون قرار بود حریف میچ شود.

بازی شروع شد هر بار که میچ می خواست توپ را از روی دروازه بکشد ، دالتون آن را متوقف می کرد. سرانجام ، میچ از تمام قدرت خود استفاده کرد. اما توپ از دست دالتون برگشت و به صورت میچ برگشت! سرانجام میچ شکست خورد.